اندازه های حسابداری و چالش تصمیم سازی در اقتصاد

دکتر محمدعلی آقایی[1]

چکیده

حسابداران پذیرفته اند هدف از اندازه‌گیری‌های مالی، ارائه اطلاعاتی است که برای طیفی گسترده از استفاده کنندگان در اتخاذ تصمیم های اقتصادی مفید واقع گردد. اما در ارتباط با گسترش منصفانه اطلاعات مالی به عنوان راهنمای تخصیص منابع کمیاب در اقتصاد باید به مشخصه‌ها و محدودیتهای اندازه های حسابداری توجه داشت. اطلاعاتی که جنبهٔ مالی دارند بر اساس اندازه گیری تقریبی آثار مالی رویدادها و مبادلاتی است که هم اکنون اتفاق افتاده اند و با واحد پولی سنجیده و بیان می شوند. الزام به اندازه گیری پولی نیز با محدودیتهای ذاتی نظیر اثبات مواجه است. ادبیات حسابداری علیه بهای تمام شده تاریخی گفته هایی دارد. به‌طوری‌که به نظر می رسد فقط سنت‌گرایان از بهای تمام شده تاریخی حمایت می‌کنند و بسیاری از حسابداران اردوی بهای تمام شدهٔ تاریخی را به دلیل نامربوط بودن آن برای تصمیمهای اقتصادی ترک کرده‌اند. مربوط بودن برای اتخاذ تصمیمات اقتصادی از الزامات اولیه اطلاعات حسابداری محسوب می‌شود. و بنابراین نامربوط بودن مهلک ترین ضعف برای بهای تمام شدهٔ تاریخی است.

آشکارا توجه تئوری ارزش گذاری در حسابداری از بهای تمام شده تاریخی به سمت بهای تمام شدهٔ جایگزین خالص ارزش بازیافتنی، وجوه نقد تنزیل شدهٔ آتی و ترکیب هایی از این روشها جابجا شده است که هدف، تلاش بیشتر درجهت مربوط ساختن اطلاعات حسابداری برای اتخاذ تصمیمات اقتصادی است.

اندازه‌های حسابداری، به طور معمول از بازارهای عینی برای تعیین مقادیر نقد یا ارزش دریافت شده و یا پرداخت شده بابت دارایی، بهای تمام شدهٔ جاری و یا ارزش جاری بازار بهره می‌گیرند. اما زمانی که مقادیر عینی در دسترس نباشند، بنگاه حسابداران به سوی جریان وجوه نقد دوخته می شود و برآوردی از جریان وجوه نقد اساس اندازه‌گیری دارایی یا بدهی قرار می گیرد. بهره‌گیری از جریان وجوه نقد دوره یا دوره‌های آتی سؤالی را برمی‌انگیزد که آیا اندازه‌های حسابداری باید ارزش فعلی جریان وجوه نقد برآورد شده را نشان دهد یا مجموع جریان وجوه نقد تنزیل نشده را زمانی که مقدار جریان وجوه نقد آتی، زمان آن و یا هر دو نامشخص باشند موضوع بحث است. هدف بنای پایه‌ای برای گسترش حسابداری مالی است.

---

۱. عضو هیأت علمي دانشگاه تربیت مدرس

۱ـ مقدمه

گسترش منصفانه اطلاعات مالی به عنوان راهنمای تخصیص منابع کمیاب در اقتصاد جریانهای فکری مهمی را پدید آورده است. آنها پروده نیاز متحول اطلاعاتی برای تصمیم سازی تجاری و اقتصادی می باشند و جوهرشان ربط داشتن است. در جهت پاسخگویی، ارزیابی عملکرد مدیریت، توانایی کسب سود، پیش بینی سودهای آتی، ارزیابی ریسک یا تأیید، تغییر و حذف ارزیابی های پیشین و در فراز و نشیب های حیات اقتصادی، پایایی سطح پیشرفت، مبادله کالا و خدمات در مقابل پول یا ایجاد تقاضا، به جای مصرف توسط تولیدکنندگان و گرای داشتن وجه نقد، چون توان خرید می‌آفریند و تصمیم گیری برای مصرف، پس انداز و سرمایه گذاری از طریق تخصیص منابع پولی.[۱]

تدوین کنندگان مفاهیم نظری گزارشگری مالی در ایران پذیرفته اند، هدف از اندازه گیریهای مالی ارائه اطلاعات است که برای طیفی گسترده از استفاده کنندگان در اتخاذ تصمیمات اقتصادی مفید واقع گردد.[۲] اما نکته با معنی که در ارتباط با گسترش منصفانه اطلاعات مالی به عنوان راهنمای تخصیص منابع کمیاب در اقتصاد مطرح است «مشخصه ها و محدودیتهای» آن است که چند کلمه ای درباره آن می‌گوییم. نظر ما بحث تفصیلی نیست، بلکه شناساندن زمینه شکل گیری جریانهای فکری مهمی است که در ارتباط با اندازه‌گیری است. تا اندازه‌ای که مربوط به گفتار ما باشد، می‌دانیم اطلاعاتی که جنبه مالی دارند براساس اندازه‌گیری تقریبی آثار مالی رویدادها و مبادلاتی که هم اکنون اتفاق افتاده اند، تهیه می‌شوند. و البته این اطلاعات بدون صرف هزینه حاصل نمی‌گردند و به دلیل ماهیت مالی با واحد پول سنجیده و بیان می‌شوند. گزارشهای مالی که شامل جمع کردن، کسر کردن، ضرب کردن و تقسیم اعداد است،تا موضوعات اقتصادی و رویدادها را نشان دهند، نیازمند استفاده از یک واحد اندازه‌گیری است. الزام به اندازه‌گیری پولی با محدودیتهای ذاتی نظیر اثبات مواجه است که برای پدید آمدن اطمینان و درستی ضرورت دارد.

۲ـ تحول منافع استفاده کنندگان

با متحول شدن محیط اقتصادی و نظام تصمیم‌سازی، استفاده‌کنندگان بالقوه از اطلاعات مالی ومنافع آنها نیز دچار تحول می‌گردند، صاحبان، وام‌دهندگان، فروشندگان، سرمایه‌گذاران، کارکنان، مدیران، تحلیل‌گران و مشاوران مالی، واسطه‌های بازارهای مالی، بیمه گران، بورس اوراق بهادار،حقوق دانان،اقتصاد دانان، مراجع مالیاتی، مراجع قانونی، قانون‌گذاران، مطبوعات مالی و نمایندگان اتحادیه‌های کارگری، انجمن‌های تجاری، محققان بازرگانی، استادان، دانشجویان و عموم مردم، بطور مستقیم و یا غیر مستقیم، از اندازه گیری دارایی ها، بهره می برند و یا انتظار دارند که از منافع اندازه‌گیری بهره‌ای داشته باشند. آنها به درک توانایی شرکتها در ایجاد جریان نقد، علاقه دارند زیرا تصمیم آنها با مبلغ، زمان و اطمینان از جریان نقد مورد انتظار مرتبط است.

---

۱. محمد علي آقايي، تئوري حسابداري : مباني ارزش‌گذاري دارايي‌ها، تهران، زعيم، ۱۳۸۰، ص ۲.

۲. استانداردهاي حسابداري، سازمان حسابرسي، كميته فني، ۱۳۸۰، ص ٤٤٥، بند ۱ــ۱.

۳ـ تفسیر مکتبها

با وجود شایستگی‌ها روشهای اندازه‌گیری، مناسب هر اندازه‌ای معطوف به «تفسیر مکتبهای فکری متفاوتی است» که هر یک مدعی برتری نظری و عملی نسبت به سایرین می‌باشند، بطور اساسی چهار مکتب فکری در ارتباط با اندازه‌گیری مناسبتر وجود دارند.

مکتب کلاسیک با نشان طرفداری از فرض واحد پولی ثابت اندازه گیری و اصل بهای تمام شدهٔ تاریخی مشخص می‌شود و به طور کلی با عنوان حسابداری بهای تمام شده تاریخی یا حسابداری سنتی شناخته شده است، گروه نئوکلاسیک با کنار گذاشتن فرض واحد اندازه‌گیری و شناخت تغییرات سطح عمومی قیمتها و جانبداری از اصل بهای تمام شده تاریخی مشخص می‌شوند و به طور کلی با عنوان حسابداری بهای تمام شدهٔ تاریخی تعیین شده براساس سطح عمومی قیمتها شناخته شده‌اند. گروه رادیکال با گزینش ارزش‌های جاری به عنوان مبنای ارزش‌گذاری مشخص می‌شوند. این گروه به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول اندازه‌های مالی بر مبنای ارزش جاری را با تغییرات سطح عمومی قیمت، تعدیل نمی‌کنند و به طور کلی با عنوان حسابداری ارزش جاری شناخته شده اند. دسته دوم رادیکال ها صورت‌های مالی مبتنی بر ارزش‌های جاری را با تغییرات سطح عمومی قیمتها تعدیل می‌کنند و به طور کلی با عنوان حسابداری ارزش‌های جاری تعدیل شده براساس سطح عمومی قیمت، شناخته شده‌اند.

هر چند بحث‌های شدیدی در دهه های گذشته در مورد «اندازه گیری‌های مالی» صورت گرفته، که البته این بحثها می‌توانند پیچیده‌تر هم بشوند، اما خطوط اصلی جنگ را می‌توان بین دو طرف «طرفداران نظریه‌های تاریخی و نظریه‌های جاری» رسم نمود. طرفداران نظریه‌های تاریخی اعتقاد به مطلوبیت اطلاعات تاریخی دارند، چون معتقدند این اطلاعات می‌تواند گویای سیر تاریخی فعالیتهای اقتصادی باشد، در حالی‌که آینده نگرها به مطلوبیت اطلاعات جاری اعتقاد دارند، چون این اطلاعات بهتر می تواند گویای وضعیت آتی اقتصاد باشد.

این نکته قابل تأمل است که در دنیای پرشتاب و در حال تغییر ما اصل بهای تمام شده تاریخی در متدلوژی حسابداری پس از چندین قرن هنوز بصورت بنیادی باقی مانده است. هنوز بصورت قاطعانه‌ای قسمت اعظم معاملات مانند قرون گذشته بر اساس بهای تمام شده تاریخی اندازه‌گیری می‌شود. در طرف دیگر انتقاد علیه بهای تمام شدهٔ تاریخی از جانب دانشگاهیان و شاغلان حسابداری وجود داشته است. در واقع ادبیات حسابداری آن چنان به طور قاطع بر علیه بهای تمام شده تاریخی است که به نظر می رسد فقط سنت گرایان دو آتشه از بهای تمام شده تاریخی حمایت می کنند. بسیاری از حسابداران، اردوی حمایت کنندگان بهای تمام شدهٔ تاریخی را به دلیل نامربوط بودن بهای تمام شدهٔ تاریخی برای تصمیمهای اقتصادی ترک کرده اند. مربوط بودن برای تصمیمات اقتصادی از الزامات اولیه اطلاعات حسابداری دانسته می شود. و بنابراین نامربوط بودن، مهلک ترین ضعف برای بهای تمام شدهٔ تاریخی است.

آشکارا، تمرکز توجه تئوری ارزشگذاری در حسابداری از بهای تمام شده تاریخی به سمت بهای تمام شدهٔ جایگزینی، خالص ارزش بازیافتی، وجوه نقد تنزیل شده آتی و ترکیب هایی از این روشها جابجا شده است که هدف، تلاش بیشتر در جهت مربوط ساختن و اطلاعات حسابداری برای تصمیم‌های اقتصادی است.

٤ـ اهمیت موضوع

در ایران بهای تمام شدهٔ تاریخی به عنوان مبنای اصلی اندازه‌گیری انتخاب شده است[1] و دربارهٔ مزیت اصلی آن گفته‌اند که عینی بودن و اتکاء پذیری ناشی از معاملات هستند، و شواهدی در مورد ارزش بازار معامله به دست می‌دهند که نمی‌توان نادیده گرفت.[2]

در نظام بهای تمام شدهٔ تاریخی، دارایی‌ها و بدهی‌ها با ارزش زمان تحصیل اندازه‌گیری می‌شود و این ارزش بطور معمول بهای تحصیل است و دو خاصیت مهم دارد یعنی بر اساس مبادله است و بیانگر ارزش جاری در زمان تحصیل می‌باشد.

یکی از مشکلات موجود در ارتباط با کاربرد نظام بهای تمام شدهٔ تاریخی،دسترس نبودن مقادیر عینی برای بسیاری از دارایی ها و بدهی ها است که حسابداران را به سمت برآورد جریان وجوه نقد آتی هدایت می‌کند و راه کار بهره‌گیری از ارزش فعلی را در اندازه‌گیری هموار می‌سازد.[3]

مشکل دیگر آن‌که در شرایطی ممکن است میزان منافع مورد انتظار از یک قلم یا گروهی از اقلام یکسان دارایی ثابت مشهود کاهش یابد. به گونه ای که مبلغ بازیافتنی دارایی از مبلغ دفتری آن کمتر شود. شرایطی که به تنهایی یا در مجموع می‌تواند در صورت تداوم طی چند سال متوالی منجر به لزوم بررسی امکان کاهش دائمی در ارزش دارایی گردد. استاندارد حسابداری شمارهٔ ۱۱ ایران، پیرامون حسابداری دارایی های ثابت مشهود در بند ٦٥ شرائط فوق را بر می‌شمارد:

الف ـ خسارت فیزیکی؛

ب ـ بلااستفاده ماندن دارایی؛

ج ـ زیان دهی عملیاتی دارایی؛

د ـ جریانهای نقدی منفی ناشی از دارایی؛

هـ کاهش خالص ارزش فروش دارایی به مبلغی کمتر از مبلغ دفتری آن؛

و ـ نابابی فنی؛

ز ـ تغییرات قانونی یا محیطی مؤثر بر قابلیت بازیافت مبلغ دفتری دارایی؛

---

۱. همان، ص ٤٩٨، بند ٣٥ـ٥.

۲. همان، ص ٤٩٢ و صص ٥ـ١٥.

3. Statement of Financial Accounting concepts ND.1; Using cash flow Information and present value in Accounting Measurements; (Stanford, ct : financial Accounting Standards Board; 2000; P. 296.

ح ـ تغییرات ساختاری در شرائط اقتصادی؛

ط ـ فزونی قابل ملاحظه مخارج انباشته تحصیل یک دارایی بر بهای تمام شده مورد انتظار آن. [1]

رأی هیئت تدوین استانداردهای حسابداری ایران بر آن است که باید مبلغ بازیافتنی مبنای اندازه گیری باشد. [2]و در باب تعیین مبلغ بازیافتنی یک دارایی ثابت مشهود آورده است، خالص ارزش فروش آن با ارزش اقتصادی دارایی مقایسه و رقم بزرگتر به عنوان مبلغ بازیافتنی انتخاب می شود.[3]

نمونهٔ آن را در بند ٤١ همان استاندارد می‌توان مشاهده‌کرد. «... زمین و ساختمانهای دارای استفاده خاص مثل پالایشگاهها، کارخانجات مواد شیمیایی، نیروگاهها وتأسیسات بندری و یا زمین و ساختمانهایی که به دلایل تجاری یا عملیاتی خاص در نواحی جغرافیایی معینی قراردارند و یا از لحاظ ساخت، اندازه، طرح ومشخصات و سایر ترتیبات در وضعیتی است که تعیین ارزش بازار آنها میسر نیست.»[4]

استاندارد شمارهٔ حسابداری دارایی های ثابت مشهود ایران در بند۷۰ ارزش اقتصادی را چنین تعریف می کند :

«ارزش اقتصادی یک قلم دارایی ثابت مشهود عبارت از ارزش فعلی خالص جریانهای ورودی نقدی آتی (خالص جریانهای ورودی و خروجی حاصل از استفاده مستمر از دارایی ها و فروش بعدی آن) است که انتظار می‌رود دارایی مربوط در روال عادی فعالیتهای تجاری ایجاد کند.

و در ادامه می افزاید :

«تعیین مبلغ قابل بازیافت حاصل از کاربرد یک قلم دارایی بر مبنای ارزش فعلی خالص جریانهای ورودی نقدی آتی به سبب ابهامات موجود در مورد زمان ومیزان جریانهای ورودی و خروجی نقدی آتی و عدم دسترسی به نرخ تنزیل مناسب، دربرگیرنده مشکلات عملی فراوانی است. برای مثال، گاه انتساب جریانهای نقدی به دارایی های منفرد عملی نیست. همچنین، قابلیت جایگزینی دارایی ها با یکدیگر و کسب جریانهای نقدی مشترک و نیز ابهام در مورد شرایط اقتصادی آتی حاکم بر محیط فعالیت واحد تجاری از مواردی است که تعیین مبلغ قابل بازیافت حاصل از کاربرد دارایی های ثابت مشهود را با اشکال مواجه می سازد. گفتنی است که مشکلات عملی مورد اشاره محدود به محیط اقتصادی حاکم بر فعالیت واحدهای تجاری کشور ما نیست، بلکه در مورد جوامع پیشرفته صنعتی که ابهامات مربوط به جریانهای نقدی آتی و تعیین نرخ تنزیل مناسب از شدت کمتری برخوردار است، نیز مصداق دارد».

ابهامات را برمی‌شمارد اما به چگونگی استفاده از ارزش فعلی در اندازه‌گیری‌های حسابداری نمی‌پردازد.

1. Ibid; p. 228.
2. Ibid; p. 228.
3. Ibid; p. 229.
4. Ibid; p. 222.

۵ـ بیان مسئله

اندازه های حسابداری بطور معمول از بازارهای عینی برای تعیین مقادیر نقد یا ارزش دریافته شده و یا پرداخت شده بابت دارایی، بهای تمام شدۀ جاری و یا ارزش جاری بازار بهره می‌گیرند. مقادیر عینی بازار بطور کلی قابل اتکاء تر و کاراتر از اندازه‌هایی است که با به کارگیری برآورد وجوه نقد آتی تعیین می شود.

اما زمانی که این مقادیر عینی در دسترس نباشند، نگاه حسابداران به سوی جریان وجوه نقد دوخته می شود و برآوردی از جریان وجوه نقد، اساس اندازه گیری دارایی یا بدهی قرار می‌گیرد. بهره‌گیری از جریان وجوه نقد دوره یا دوره های آتی سؤالی را برمی انگیزد که آیا اندازه‌های حسابداری باید ارزش فعلی جریان وجوه نقد برآورد شده را نشان دهد یا مجموع جریان وجوه نقد تنزیل نشده را؟ در گذشته انجمنهای حرفه ای برای بهره گیری از تکنیکهای ارزش فعلی بدون طراحی چارچوب استفاده از آن، رغبتی نداشتند.

٦ـ تاریخچه

در سال ۱۹۸۸ میلادی تلاشهایی برای بررسی گسترۀ کاربرد ارزش فعلی در اندازه‌گیری‌های حسابداری آغاز شد. تا سال ۱۹۹۹ شماری از بیانیه‌های انجمنهای حرفه‌ای استفاده از تکنیکهای ارزش فعلی را پیش بینی نمودند. مطالعات نشان داد تعیین زمان و چگونگی استفاده از ارزش فعلی در اندازه گیری های حسابداری چندان روشن نیست. آنچه مورد نظر بوده است استفاده از تکنیک ارزش فعلی برای اندازه گیری استهلاک و تخصیص های بعدی دارایی هایی است که با استفاده از بهای تاریخی، بهای تمام شدۀ جاری یا ارزش بازاری جاری اندازه گیری شده اند.

انجمن حرفه‌ای حسابداران آمریکا در سال ۱۹۹۷ پیشنهادی را مطرح کرد که پس از بررسی های نهایی تحت عنوان استفاده از اطلاعات جریان وجوه نقد و ارزش فعلی در اندازه‌گیری‌های حسابداری در سال ۱۹۹۹ منتشر شد. دیدگاه تازه انجمن دربارۀ عینیت ارزش فعلی در اندازه‌گیری حسابداری و نقش وضعیت بدهی های مؤسسه در اندازه‌گیری بدهی‌ها، در آنجا آمده، که نسبت به گذشته تغییر کرده است.

انجمنهای حرفه ای در سایر کشورها نیز در جستجوی بررسی پرسش هایی پیرامون اندازه گیری هایی که با استفاده از اطلاعات جریان وجوه نقد برآوردی و ارزش فعلی صورت گرفته است، بوده اند.

انگلیسی‌ها نتایج تلاشهای خود را تحت عنوان تنزیل در گزارشگری مالی در سال ۱۹۹۷ نشردادند. همچنین گروه‌کاری از نمایندگان استرالیا، کانادا، نیوزلند، انگلستان، کمیته استانداردهای حسابداری بین‌المللی و آمریکا، نظرات مربوط به جنبه‌های متعدد ارزش فعلی را مورد بحث قرار دادند. بیانیه شمارۀ ۳۷ حسابداری بین‌المللی تحت عنوان، پیش‌بینی‌ها، بدهی‌های احتمالی، دارایی‌های احتمالی به کارگیری گستردۀ تکنیکهای ارزش فعلی را ایجاب می‌کند. در سال ۱۹۸۸، کمیته استانداردهای حسابداری بین المللی پروژه ای را دربارۀ ارزش فعلی در دستور کار قرار داد.

آنچه در این مقاله آمده است تشریح عینیت ارزش فعلی در اندازه‌گیری‌های حسابداری است و اصول کلی که برای استفاده از ارزش فعلی باید مورد توجه قرار گیرد. به ویژه زمانی که مقدار جریان وجوه نقد آتی، زمان آن و یا هر دو نامشخص باشند. هدف بنای پایه‌ای برای گسترش حسابداری مالی و تمرکز آن روی پرسشهای زیر است.

الف ـ هدف استفاده از ارزش فعلی برای اندازه گیری و یا بدهی چیست؟

ب ـ آیا در دوره های بعد از زمان تحصیل دارایی یا تعهد بدهی نیز همان هدفهای دورهٔ تحصیل دارایی و تعهد بدهی برقرار است؟

ج ـ برآورد جریان وجوه نقد و نرخ بهره چگونه خواهد بود؟

د ـ هنگام به کارگیری ارزش فعلی برای استهلاک دارایی و یا بدهی چه هدفی دنبال می شود؟

هـ اگر برآورد جریان وجوه نقد تغییر کند چگونه از تکنیک ارزش فعلی برای تعیین استهلاک استفاده شود؟

۷ـ بازتاب تفاوتهای اقتصادی

هدف به کارگیری روش ارزش فعلی در اندازه گیری حسابداری کاهش تفاوتهای اقتصادی میان مجموعه های جریان وجوه نقد آتی است. دارایی های زیر دارای جریان وجوه نقد آتی یکسان هستند: جریان نقد ثابت در روند معینی با اطمینان کامل از دریافت آن؛ جریان نقد ثابت در طی چند دوره با اطمینان کامل از دریافت آن؛ جریان نقد ثابت در روز معین اما دریافت آن با اطمینان کامل همراه نیست، ممکن است مبلغ دریافتی کمتر باشد ولی بیشتر نخواهد بود؛ جریان نقد در طی چند دورهٔ ثابت است اما مبلغی که در نهایت دریافت خواهد شد مشخص نیست؛ و بالاخره جریان نقد مورد انتظار در طی چند دوره، مشابه گذشته است اما مبلغ دریافتی ممکن است بین دو حد پایین و بالا تغییر نماید.

ممکن است گروهی، دارایی‌های فوق را از نظر اقتصادی مشابه بدانند و تصور نمایند خریداران منطقی مبلغ یکسانی را برای آنها پرداخت می‌کنند؛ زیرا اندازه گیری حسابداری بر مبنای جریان وجوه نقد تنزیل نشده، تمام موارد فوق را بطور یکسان اندازه‌گیری خواهد کرد؛ اما آنها از جهت زمان بندی و اطمینان متفاوتند. ارزش فعلی، تمایز میان ارقام نامشابه را که ممکن است مشابه به نظر برسند، مشخص می نماید.

۸ـ نشان‌ها

ارزش فعلی برای آنکه تفاوت اقتصادی بین جریانهای وجوه نقد را بازتاب دهد باید عناصری را همراه داشته باشد؛ جریان وجوه نقد آتی را برآورد نماید؛ انحراف در مقدار یا زمان را پیش بینی کند؛ ارزش زمانی پول را که نرخ بهره بدون ریسک می باشد مورد توجه قرار دهد؛ قیمت عدم اطمینان ذاتی همراه دارایی یا بدهی را در نظر گیرد؛ و بالاخره عوامل نامشخص مانند عدم نقدینگی و غیر رقابتی بودن بازار را نشان دهد.

اصولی که برای اندازه‌گیری دارایی در زمان تحصیل به کار گرفته می شود بر دوره های بعدی نیز حاکم است،زیرا منطقی برای اتخاذ دیدگاه متفاوت وجود ندارد. تنها هدف ارزش فعلی برآورد ارزش منصفانه است و تلاش می‌شود تا بازتاب نشانه‌های قیمت بازار باشد. ابزار متداول اندازه گیری حسابداری مبادلهٔ بازار است و حسابداران قیمتهای مبادله واقعی را به عنوان ارزش منصفانه در اندازه گیری می‌پذیرند.

اگرچه در غیاب مبادله‌های نقدی به سایر روشهای اندازه‌گیری متوسل می‌شوند اما هدف اندازه‌گیری همان هدف قبلی است. ارزش منصفانه بیانگر قیمت است و هدف واقعی برای بهبود جریان وجه نقد و نرخ بهره مورد استفاده در اندازه گیری ارزش فعلی را ارائه می نماید.

۹ـ دو دیدگاه

تکنیکهای برآورد جریان وجوه نقد آتی و نرخ بهره با شرایط حاکم بر دارایی یا بدهی رابطه دارند؛ اما بطور کلی اصول زیر را در نظر می‌گیرند: اولاً جریان وجوه نقد برآورد شده و نرخ بهره باید مفروضات مرتبط با رویدادهای آتی و عدم اطمینان را منعکس سازند؛ ثانیاً نرخ بهره باید فرضهایی را که با ماهیت جریان وجه نقد آتی سازگار است نشان دهد ـ اگر برای تنزیل جریان وجه نقد ناشی از وام قراردادی (اوراق مشارکت) از نرخ ۱۲٪ استفاده می شود، همان نرخ برای تنزیل جریان وجه نقد مورد انتظار از سایر معامله ها مطلوب نیست، زیرا بطور معمول قصور در آنها پیش بینی می‌شود. ثالثاً برآورد جریان وجوه نقد آتی و نرخ بهره بدون جهت گیری صورت گیرد ـ در نظر داشتن افزایش صوری سودآوری دارایی تعصب را در اندازه گیری ایجاد می‌نماید؛ رابعاً جریان وجه نقد برآورد شده و نرخ بهره باید دامنه ای از پیامدهای ممکن را منعکس نمایند ـ تکیه بر پیامدهای مطلوب و یا حداقل و حداکثر مناسب نیست.

اندازه‌گیری ارزش فعلی با مجموعه‌ای از جریان وجوه نقد آتی آغاز می‌شود؛ اما برای تعیین جریان وجوه نقد دیدگاههای متفاوتی وجود دارد. سنت گرایان مجموعه منفرد از جریانهای وجوه نقد برآورد شده و نرخ با ریسک را به کار می‌گیرند که برای اجرا آسان به نظر می رسد. برای بسیاری از اندازه گیری ها بویژه مقایسهٔ تطبیقی دارایی وبدهی در بازار مفید است؛ اما ابزار مورد نیاز برای شناسائی برخی مشکلات اندازه‌گیری های پیچیده را ارایه نمی‌کند.

برای نمونه اندازه گیری دارایی یا بدهی غیر پولی را که بازاری برای آن وجود ندارد و یا امکان مقایسه فراهم نیست می توان برشمرد. سنت گرایان بر انتخاب نرخ بهره متمرکز می شوند. جستجویی در عبارت نرخ همراه با ریسک روشن می‌سازد: اولاً دارایی یا بدهی در بازار موجود است؛ زیرا دارای نرخ بهره است و دیگر آنکه دارایی یا بدهی قبلاً اندازه گیری شده است. از نگاه سنت گرایان نرخ بهره مناسب برای جریان وجوه نقد برآورد شده باید در برخی دیگر از دارایی ها و بدهی ها قابل مشاهده باشد. به عبارت دیگر

ویژگی های جریان وجوه نقد باید با دارایی های اندازه گیری شده مشابه باشد و فرآیند زیر بطور متناوب تکرار شود:

الف ـ مجموعه جریان وجوه نقد مشخص گردد؛

ب ـ دارایی‌ها و بدهی‌های دیگری که در بازار موجود و با ویژگی جریان وجه نقد مشابه باشد شناسایی شود؛

ج ـ مجموعه جریان وجوه نقد حاصل از دو دارایی یا بدهی مقایسه گردد تا از مشابهت آنها اطمینان حاصل شود؛

د ـ ارزیابی شود آیا شواهدی وجود دارد که در یکی موجود و دیگری فاقد آن؛

هـ ارزیابی شود آیا هر دو مجموعه جریانهای وجوه نقد با تغییر شرایط اقتصادی، رفتار یکسانی از خود بروز می دهند.

دیدگاه جدیدی که می توان آنرا جریان وجوه نقد مورد انتظار نامید در جستجوی ابزار اندازه گیری اثر بخش تری، در شرایط مختلف است. می خواهد تمام انتظارات را در مورد جریانهای وجوه نقد ممکن به کار گیرد. همچنین آن هنگام که زمان بندی جریان وجوه نقد نامطمئن است، تکنیک ارزش فعلی را مورد استفاده قرار دهد. استفاده از احتمالات نشانهٔ روشنی برای دیدگاه جریان وجوه نقد مورد انتظار است وممکن است برای حسابداران تولید اشکال نماید. اما در هر حالت جریان وجوه نقد مورد انتظار، ارزش منصفانه را بهتر از حداقل، حد وسط یا حداکثر برآورد می نماید. نظریه جریان وجوه نقد می گوید ارزش منصفانه یعنی قیمتی که بازار برای رفع عدم اطمینان دریافت می کند؛ به شرطی که قابل تعیین، اندازه گیری و با اهمیت باشد. بنابراین تعدیل خودسرانه ریسک نمی تواند مبنایی برای مقایسه با اطلاعات بازار باشد و موجب انحراف غیر قابل توجیه در اندازه‌گیری است. برای برآورد تعدیل ریسک، تکنیکهای فراوانی وجود دارد که می توان از آنها بهره گرفت؛ اما در مواردی که برآورد قابل اتکا از ریسک بازار ناممکن باشد و یا دارای ارتباط اندکی است، جریان وجوه نقد مورد انتظار با نرخ بهره بدون ریسک تنزیل می شود تا بهترین تخمین از ارزش منصفانه در چنین شرایطی ایجاد گردد.

اندازه گیری های ارزش فعلی،همانند سایر اندازه گیری های حسابداری در شرایط عدم اطمینان به وقوع می پیوندد. عدم اطمینان یعنی جریان وجوه نقد مورد استفاده برای اندازه گیری فعلی، که برآوردی است و نه مقادیر شناخته شده و معلوم، و آن را باید در اندازه گیری حسابداری به کارگرفت؛ چون پیامدهای اقتصادی دارد. افراد و شرکتها بطور همیشگی به معاملاتی می پردازند که با انتظار رویدادهای نامطمئن آتی همراه اند. نتیجه این رویدادها است که مؤسسه مالی را در وضعیتی بهتر و یا بدتر از آن انتظارات قرار می دهد وتا زمانی که عدم اطمینان‌ها وجود دارند مؤسسه در حالت ریسک قرار دارد. هدف از وارد کردن ریسک و عدم اطمینان در اندازه‌های حسابداری، تقلید از رفتار بازار برای تعیین قیمت دارایی و بدهی هایی با جریان وجوه نقد نامطمئن است و نباید با گرایش به گزارش کمتر یا بیشتر دارایی یا بدهی اشتباه شود، که دومی

تلاش برای ضعیف نشان دادن نتایج است و قابلیت اتکا را به پرسش می کشد. تعصب در برآورد اجزای درآمد چه خوش بینانه و چه بدبینانه، زمان بندی درآمدهاو هزینه ها یا زمانها را تحت تأثیر قرار خواهد داد و ممکن است باعث گمراهی شود. نگرشهای متعددی در مورد تعیین میزان ریسک مناسب از سوی تئوری های مالی مطرح شده است.

۱۰ـ نتیجه

برای تعیین ارزش منصفانه دارایی یا بدهی، اندازه گیری بر اساس مبادلات بازار مربوط و قابل اتکا است؛ اما پاره ای از دارایی ها و یا بدهی‌ها فاقد ارزش قابل مشاهده ناشی از مبادلات بازار هستند. در چنین مواردی اگر دارایی، جریان وجوه نقد معلوم و مشخصی براساس قرارداد داشته باشد، اندازه گیری ارزش فعلی درست است.

اندازه گیری های ارزش فعلی هنگامی که بر اساس برآورد انجام می شود بطورذاتی دقیق نخواهند بود و همواره این پرسش مطرح می شود که آیا مجموع جریان وجوه نقد یا ارزش فعلی را نشان می دهد یا خیر؟ امکان نادرستی برآوردهای آتی دور از انتظار نیست. و بطور معمول جریان وجوه نقد واقعی، متفاوت از برآوردها می باشند. اما نباید فراموش کرد اطلاعات حسابداری نمی توانند بطور کامل، هم مربوط باشند و هم قابل اعتماد؛ بلکه هر دو ویژگی بطور نسبی قابل تحصیل است و باید برای آنها وزنی در نظر گرفت. البته وزنهای مورد نظر در هر وضعیتی تغییر می نماید.

تکنیک جریان وجه نقد مورد انتظار، می تواند کاربرد ارزش فعلی را برای اندازه‌گیری گسترش دهد. تا آنجا که ویژگی مربوط بودن و قابل اتکا بودن اطلاعات حسابداری کافی باشد، استفاده از ارزش فعلی برای اندازه گیری‌ها، پیچیده تر از بهره گیری از برآورد جریان وجوه نقدآتی است و به محاسبات گوناگون دربارهٔ مقدار و زمان‌بندی جریان وجوه نقد آتی و تعدیل های مناسبی برای ریسک و عدم اطمینان نیاز دارد. اما در مقایسه با نارسایی‌های اندازه‌گیری براساس جریان وجوه نقد تنزیل شده، برتری‌هایش قابل تأمل است و برای تصمیم‌سازی در اقتصاد آسودگی بیشتری فراهم می نماید.

فهرست منابع

الف ـ فارسی

۱- آقایی محمدعلی؛ تئوری حسابداری ـ مبانی ارزش‌گذاری دارایی‌ها؛ زعیم؛ تهران، ۱۳۸۰، ص ۲.

۲- استانداردهای حسابداری؛ سازمان حسابرسی؛ کمیته فنی؛ تهران، ۱۳۸۰.

ب ـ انگلیسی

1- International Accounting Standards Committee, Provisions, Contingent Assets, No. 37.

2- SFAC No. 7 , 2000.

3- Statement of Financial Accountiong Board; Using Cash Flow Information in Accounting Measurement, 1997.

4- Statement of Finanical Accounting Concepts ND. 1, Using Cash Flow Infotmation and Present Value in Accounting Measurements, (stacford, ct. : Financial Accouvting Standardl Board. 2000, p. 296.

5-United Kingdom's Accounting Standards Board; Discounting in Financial Reporting; Working Paper; 1997.